

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

صص ۲۳۶-۲۱۴

## طرحی برای اثری در مورد جغرافیای سیاسی

آن روبرت ژاک تورگو\*

ترجمه از فرانسه به فارسی: دکتر سیروس احمدی نوحدانی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

### مقدمه مترجم

آن روبرت-ژاک تورگو بارون اولن<sup>۱</sup> متولد ۱۰ می ۱۷۲۷ در پاریس است که در تاریخ ۱۸ مارس ۱۷۸۱ وفات یافت. وی سیاستمدار و اقتصاددان فرانسوی است. وی در کلیسا و در سوربن تحصیل کرد. وی هوادار تئوری‌های لیبرال کسنی و گورنای<sup>۲</sup> بود. وی به سمت وزیر امور دریایی سپس بازرس کل امور مالیه پادشاه فرانسه لویی شانزدهم منصوب شد. اما تلاشهای وی برای کاهش بدهی ملی و بهبود زندگی مردم با شکست مواجه شد. منتقدین وی را مردی ساده، شریف، قانونمدار، عاشق عدالت، حقیقت و در واقع یک ایده‌آلیست و دانشمند معرفی کرده‌اند. از آنجا که دو مقاله تورگو در سال ۱۷۵۱ منتشر شده و تورگو در آن ابعاد وسیعی برای مطالعات جغرافیای سیاسی مطرح کرده است، لذا ترجمه و انتشار مقاله تورگو ضروری به نظر رسید و بدین ترتیب سابقه علم جغرافیای سیاسی به زمانی خیلی عقب‌تر از آنچه که تاکنون مطرح می‌شد، باز می‌گردد. در اینجا لازم است که از آقای دکتر حافظ‌نیا که متن دو مقاله را اختیار مترجم قرار داد و تلاشهایی که ایشان برای اعتلای جغرافیای سیاسی به عمل می‌آورند، سپاسگزاری نمایم.

متن این مقاله بعدها در کتابی در مورد آثار تورگو با تغییراتی اندک منتشر شد که این تغییرات در متن ترجمه به‌نحو زیر مشخص شده است. مطالبی که در [ ] قرار گرفته، مطالبی هستند که در متن اصلی نبوده و در متن کتاب سال ۱۸۴۳ اضافه شده یا تغییر یافته‌اند. مطالبی که در { } قرار داده شده‌اند، در متن اصلی تورگو بوده اما در متن کتاب سال ۱۸۴۳ حذف شده‌اند. این مقاله در سال ۱۷۵۱ منتشر شده است.

\* Anne-Robert-Jacques Turgot, Plan d'un ouvrage sur la géographie politique

URL: <http://www.eliohs.unifi.it/testi/700/turgot/plangeo.html>

Édition HTML par Guido Abbattista et Rolando Minuti pour Cromohs<sup>©</sup> (marzo 1996)

1. Anne Robert Jacques Turgot, baron de l'Aulne

2. Quesnay et Gournay

### ترجمه مقاله

نظرهای کلی: جنبه‌های گوناگون جغرافیای سیاسی- ترسیم طرح: نقشه سیاسی جهان- نقشه اول: نژادها- نقشه دوم: جای‌گیری مردم روی کره، مستعمرات و جنگها؛ اقلیم- نقشه سوم: یونان- نقشه چهارم: دوران اسکندر. نقشه پنجم: جمهوری روم- نقشه ششم: امپراتوری روم؛ کنستانتین؛ مذاهب؛ عدم مسامحه؛ مسیحیت- نقشه هفتم: بربرها؛ محمد- هلند (A. L., copie, D. P., II, 166—بازتولید با اندکی تغییر).

[مقدمه متن منتشره سال ۱۸۴۳:<sup>۱</sup> «مباحث زیر تنها طرحهایی هستند که مسئولیت‌های مدیریتی آقای تورگو به وی امکان اجرای آنها را نداد.

وی نگاه خود را به جغرافیای سیاسی به یکی از هم‌رشته‌ای‌های خود که قصد داشت کتابی با عنوان جغرافیای سیاسی بنویسد، بیان می‌دارد. این هم‌رشته‌ای از روشی که تورگو جغرافیای سیاسی را تشریح کرد هراسناک شد. مطالب وی شامل دو بخش می‌شد: بخش اول «تاریخ عمومی» و بخش دوم «علم حکومت».

محبت آقای تورگو نسبت به اطرافیان آنقدر زیاد بود که من کمتر نزد دیگران دیده‌ام. وی برای پروژه‌های دوستانش وقت می‌گذاشت و با غیرت خستگی‌ناپذیر تمام جزئیات کار و نحوه نگارش کار را به تفصیل تشریح می‌کرد.

افرادی که افتخار و سعادت هم‌نشینی با وی را داشتند، روحیه و مهربانی وی را به بهترین وجه تحسین می‌کنند. اقدامات وی به درد همه می‌خورد. به هیچ وجه شکفت‌آور نیست کسی که در سمینار این همه اندیشه‌های وسیع پیرامون موضوعات بسیار مهم ارائه می‌دهد، و در مورد آنها چه بسیار ابزار و اندیشه فراهم کرده، در آن واحد یک فیلسوف، مدیر روشن ضمیر و یک وزیر درجه یک می‌باشد»].

<sup>۱</sup>. این مقدمه تنها در متن منتشر شده سال ۱۸۴۳ در کتابی در مورد آثار تورگو (از صفحه ۱۶۵ کتاب) منتشر شده و جزو گفته‌های خود تورگو نیست و در مقاله منتشره به سال ۱۹۹۶ درج نشده است.

۱. رابطه جغرافیای سیاسی با توزیع مردمان روی کره، با تقسیم حکومتها<sup>۱</sup>. نگاه کلی به تقسیم مردمان با دید تاریخی. در مورد شکل‌گیری حکومتها، اجتماع‌شان، اصول این اجتماع بر اساس حقوق عمومی، همراه با موانع یا تسهیلاتی که وضعیتهای مشابهی در استانها به وجود می‌آورند.
۲. جغرافیا در رابطه است با تراز تجاری، با ثروت بخشهای مختلف کشور، با مواد خوراکی که تولید می‌کنند، با شاخه‌های تجاری که از اینها به وجود می‌آید، با گردش کالاها، ابتدا به طور کلی از کره یا اقلیم تا اقلیم، از مردم تا مردم، از استان تا استان.
۳. جغرافیا در ارتباط است با امکانات کم [۲۵۶] و بیش بزرگ ارتباطات روی زمین، روی دریا و روی رودها. در ارتباط است با آثار این ارتباطات در فتوحات، در اتحادها، در منافع متقابل دولتها و در ترسی که می‌تواند ایجاد کند. آثار آن بر شاخه‌های مربوط به ماهیت مواد غذایی آسان برای حمل و نقل، تقریباً ارزشمند، در حجم کم و بیش زیاد (دیده می‌شود).
۴. جغرافیا در ارتباط با دولتهای گوناگون، با ویژگیهای ملتها، با نبوغ و صنعت‌شان. جغرافیا آنچه در درون است را از مسایل اخلاقی جدا می‌سازد؛ و بیان می‌دارد آیا دلایل فیزیکی در آنها نقش دارد و چگونه.
۵. (بررسی-مترجم) نتیجه همه این اصول و اجرای آنها بر منافع پرنسها، بر رابطه اطراف جهان، بر رابطه دولتهای اروپا در وضعیت فعلی، بر قدرت و تجارتشان، بر منافع درست یا نادرست، بر دیدگاهشان، امیدهای خوب یا بد یافته‌شان، بر سیستمهای مختلف سیاسی که به طور متوالی به دربار راه یافتند، بر سیستم تعادل، بر انقلابها یا ممکنها یا ممکن نماها. (بررسی تأثیر- مترجم). اجرای این اصول در سیاست داخلی، در وضعیت سرمایه‌ها، در تفکیک استانها، در توزیع اختیار در دیارتانها (شهرستانها-مترجم) ی مختلف، در تراز بازرگانی، در شاخه‌های گوناگون تولید و بازرگانی که باید تقویتشان کرد، در تأسیس بنادر، راهها، نقاط گردهمایی، پایتختها، استانها، دادگاهها، دولتهای شهرداری (محلی)، حتی بر جوامع؛ در تعادل پایتخت و استانها، شهرها و روستاها، میان شهرها و میان روستاها. رابطه ماهیت دولت با گستردگی

حکومت [با پروژه‌های جمهوری به‌طور عام یا با سلطنت به‌طور خاص].  
 به‌نظر من همه این ایده‌ها که در بالا گفتم آن چیزی است که من به آن جغرافیای سیاسی  
 می‌گویم.

حتی می‌توان تقسیم‌بندی کلی‌تری انجام داد یعنی رابطه جغرافیا با سیاست تحت دو  
 موضوع: تنوع تولیدات و تسهیل ارتباطات؛ اینها در واقع دو عنصر متغیر هستند که براساس  
 آنها می‌توان همه مشکلات جغرافیای سیاسی را حل کرد. همچنین باید به آنها تقسیم حکومتها  
 را اضافه کرد که تا قسمتی وابسته است به این دو اصل، اما تاحدی هم وابسته به وقایعی  
 هستند [۲۵۷] که در طولی زمان روی می‌دهند.

می‌توان هرآنچه که نگاهی به جغرافیای سیاسی دارد را در دو دسته قرار داد: جغرافیای  
 نظری<sup>۱</sup> و جغرافیای تاریخی.

اولی تنها رابطه هنر دولت با جغرافیای طبیعی (فیزیک) است؛ چون زمین صحنه همه اعمال  
 بشر است، این موضوع تقریباً همه هنر دولت را در بر می‌گیرد البته نباید همه چیز را در این  
 شاخه قرار داد. اگر قرار است اینها را در نظر بگیریم، چرا یک معاهده کامل با عنوان جغرافیای  
 سیاسی نداشته باشیم؟ آیا بهتر نیست که جزء را با نام کل بنامیم و نه کل را با نام جزء، حال  
 این جزء هر اصلی داشته باشد؟

جغرافیای سیاسی پوزیتیو دو بخش دارد، حال و گذشته. وضعیت کنونی جهان سیاسی،  
 قدرت متفاوت ملتها، مرزهایشان، گستردگی‌شان، کیفیت فیزیکی، اخلاقی و سیاسی‌شان: یعنی  
 تعداد جمعیت، ثروت هر حکومت، ویژگی ساکنان‌شان، تسهیلات یا مشکلاتی که دولت در راه  
 رشدشان قرار می‌دهد، تجارت میان ملتهای گوناگون، ادعاهای آنها، منافع درست یا  
 نادرست‌شان، راهی که اکنون می‌روند، و مسیر حرکت‌شان به‌سوی رشد بیشتر یا به‌سوی  
 فروپاشی؛ این جغرافیای سیاسی واقعی است، واژه جغرافیا معمولاً برای تشریح زمین به‌کار  
 می‌رود. اما جغرافیا از آنجا که تابلوی حال است، بی‌وقفه در حال دگرگونی است و چون

هرچه که گذشته قبلاً حال بوده، تاریخ که بیان گذشته است باید ادامه این تابلوهای تاریخ عمومی<sup>۱</sup> باشد که در هر زمان نگاشته می‌شود {من از تاریخ جهان<sup>۲</sup> صحبت می‌کنم}.

اگر در جغرافیا، وضعیت ملتها ملاحظه شود، اما به جغرافیا کمتر می‌توان دورانیهای تاریخ عمومی را اضافه کرد، به‌جز اسامی و اقدامات برخی افراد، در یک کلام، تاریخ و جغرافیا انسانها را در فواصل خاص خود قرار می‌دهند. یکی فواصل فضا را شرح می‌دهد و دیگری فواصل زمان را. تشریح خام زمینها از یک‌سو، تشریح خشک و ارقامی سالها، مانند چادری است که [۲۵۸] اشیاء را درون آن قرار می‌دهند. جغرافیای عادی و وقایع نگاری این امر را برعهده دارند. تاریخ و جغرافیای سیاسی رنگهای خاص را به آنها می‌دهند. جغرافیای سیاسی -اگر بتوانم بگویم- بدین ترتیب برشی از تاریخ<sup>۳</sup> است. میان توالی وقایعی که تاریخ هر کشور را شکل می‌دهند با آنچه که جهان را شکل می‌دهد تفاوتهایی وجود دارد مانند الیافی که پارچه را از ابتدا تا انتها شکل می‌دهند، همچنین دائم در حال تغییر هستند و بر هر نقطه اوج اگر یک خط عمودی رسم کنیم شکل خاص خود را می‌گیرد به‌نحوی که درخت کامل از توالی این شاخه‌های گوناگون شکل می‌گیرد. این است تاریخ جهان. هر لحظه نوعی جغرافیای سیاسی دارد و این نام اختصاصاً مناسب است برای توصیف لحظه حال که موضوع در آن تمام می‌شود، نام جغرافیای سیاسی نوعی تغییر نام تاریخ عمومی است. آیا مناسب نیست مسایل را در زیر عنوان درست‌شان قرار دهیم ۱- تاریخ عمومی خردمند؛ ۲- جغرافیای سیاسی که در ادامه آن می‌آید؛ ۳- معاهده دولت که آنچه را من تئوری جغرافیای سیاسی می‌نامم را دربر گیرد؟

ترسیم طرح. نقشه سیاسی جهان<sup>۴</sup>

ایده کلی کره زمین قابل سکونت؛ تنوع زمینها و باروری آنها؛ دشتها، کوهها، دره‌ها، تقسیم آنها

- 
1. Histoire Universelle
  2. l'histoire universelle
  3. la coupe de l'histoire
  4. Mappemondes politiques

و مرزهای طبیعی که شکل می‌دهند؛ ارتباط کم و بیش آشکار میان برخی مرزها؛ موانع کم و بیش غیر رد شدنی طبیعت؛ جویها، رودخانه‌ها، دریاها، سواحل، کوهها، سلسله جبالها، عرصه‌ها، کانتونها، سرزمینها، استانها، مناطق، قاره‌های بزرگ.

توصیف جغرافیایی کره تحت این دیدگاه یا نقشه جهان، آن‌گونه که یک فرد ساکن ماه می‌تواند با تلسکوپ روی زمین مشاهده کند.

دومین نقطه نظر در مورد کره، دارای نواحی و اقلیمها، در رابطه با تفاوت کارکرد خورشید، با تفاوت قوانینی که از متغیرهای سرد و گرم حاصل می‌شود. آثار کلی و حتمی قوانین روی زمین [۲۵۹] قابل سکونت. ایده کلی در مورد چگونگی پخش شدن انسانها روی کره، خواه از یک مرکز رفته باشند خواه از ابتدا متفرق بوده باشند؛ هر دو فرض تقریباً نتایج مشابه می‌دهند. مطالعه ساکنان کره که بدین ترتیب از هم جدا شده‌اند و ملت‌های مجزا به‌دلیل جهل‌شان در میان ملتها. بررسی شمار انسانها در یک فضای خاص تا تولیدات این فضا. ملاحظات کلی در مورد جمعیت حکومتها، در مورد پیشرفتهای گذشته و آینده نوع بشر. رابطه این تولیدات با روش زندگی انسانها. اولین وضعیتی که باید برای ساکنان کره در نظر گرفت. برای توصیف آنچه که می‌بینیم، فیلسوف باید بر مرحله بربریت و نابودی فائق آید، مرحله‌ای که نوع بشر نمی‌تواند تحمل کند. قرار گرفتن فراتر از انسانهایی که با آنچه که از روی بخت به‌دست می‌آورند زندگی می‌کنند مانند میوه، حشرات، حیوانات.

**اولین نقشه جهان** - یا تفکیک جهان مسکونی براساس انواع گوناگون بشر: سفید، سیاه، سرخ، لاپون، سلت، تاتار، چینی، مور، لواتین، هندی، ماله<sup>۱</sup>.

تغییرات پی در پی در سبک زندگی مردم، و نظمی که این تغییرات در آن روی داده‌اند، برخی دامدار، برخی شکارچی و برخی کشاورز (شده‌اند).

دلایلی که موجب شدند برخی مردم مدت زمان بیشتری شکارچی باشند سپس دامدار شوند. تفاوتی که بر اثر این سه وضعیت به‌وجود می‌آید، به نسبت تعداد انسانها، حرکت

1. Lapons, Celtes, Tartares, Chinois, Maures, Levantins, Indiens, Malais.

ملتها، تسهیلات کم و بیش زیاد برای فائق آمدن بر موانع زیرا طبیعت برای جوامع گوناگون سهم‌شان را در کره خاکی تعیین کرده است، وضعیت جوامع، آمیختگی کم و بیش آسان مردمان.

چگونه جوامع کوچک محدود در مرزها با آمیختگی و آمیزشهای رایج، یک خصلت، زبان، اخلاق خاص و حتی یک رفتار مشترک پیدا می‌کنند و تشکیل ملت می‌دهند، چگونه این اختلاطها و آمیزشهای کم و بیش رایج در محدوده مرزهای کوچکتر و سخت برای عبور و تردد، به ملتها شباهتهای محسوس اما کمتر مورد توجه می‌دهد. چگونه نوع بشر بدین ترتیب به [۲۶۰] گروههای بزرگ تقسیم شده است؛ چگونه همین مردم باز هم در عرصه قاره‌های بزرگ با یکدیگر آمیختگی پیدا کرده‌اند تا حدی که ملت‌هایی که با هم همسایه هستند از یکدیگر تأثیر گرفته و تقریباً مانند دو رنگ هم طیف به‌نظر می‌رسند؛ و نیز رنگهای مشترکی میان ملتهای یک قاره دیده می‌شود که به ظاهر از مراکز گوناگون پخش شده‌اند و تفاوت میان آنها تا دورترین و عقب‌ترین مرزها گسترده می‌شود، و با فرسایشهای کم و بیش سریع تضعیف می‌شوند تا جایی که ارتباط با محلی که مبداء آنها بوده آسان و رایج می‌شود.

**دومین نقشه جهان** - یا پخش مردمان و ملتها روی کره، مرزهای اصلی که طبیعت به گروههای بزرگ انسانی داده و ارتباطات اصلی که به‌واسطه طبیعت میان آنها وجود دارد، موجب شده تا حرکت ملتها در مهاجرت‌های بزرگ هدایت شوند.

اندیشه‌های جدید در مورد تغییرات مستمر در وضعیت ملتها؛ و در نابرابری پیشرفته‌ها.

نگاه کلی به مردمان کم و بیش بربر، کم و بیش متمدن<sup>۱</sup> که در یک نیم نگاه به تابلوی زمان حال تفاوت میان بربری و ادب را می‌شود دید که ملتهای پیشرفته‌تر با کمک همین تفاوتها به‌تدریج از مرحله اولیه بربریت عبور کرده‌اند.

ایده کلی از پیشرفته‌ها در ملتهای گوناگون و رابطه انوار روح و به کمال رسیدن دولت

۱. *police* در این متن تورگو به جای واژه *civilisation* از واژه پلیسه یعنی دارای قانون و مقررات

استفاده می‌کند و واژه سیویلیزاشن بعدها به‌جای تمدن کاربرد پیدا کرد. مترجم.

کشورها، تابلوهایی که جهان از این منظر به طور متوالی ارائه کرده و می‌کند.

### ملاحظات مشروح از پیشرفت مردمان

### انسانها به عنوان شکل دهنندگان جوامع سیاسی

در مورد اولین شکل‌گیری دولت در میان مردمان وحشی، شکارچیان، دامداران، زارعان. انواع گوناگون این سه روش زندگی.

ملاحظات کلی در مورد مالکیت اشیا و زمینها، اشغال، حفظ و اشغال مستمر و آثاری که از اینها ناشی می‌شوند.

[۲۶۱] زارعان، ساکنان، فاصله‌ها، به چه مربوط هستند؟ اندازه‌گیری فاصله‌ها، شهرها. رابطه میان یک شهر و سرزمین، منشاء این روابط.

اولین حکومتها: چگونه آنها شکل گرفتند؛ آیا زور تنها پیوند میان بخشهای مختلف آنها بود. مستعمره‌ها و جنگها - مستعمره‌ها، رابطه میان آنها و متروپلها با امکانات ارتباطات، و نتیجه فاصله میان آنها: نسبی بودن نابرابری قدرت، و نیز نسبی بودن مزیت موقعیتها و حتی خوبی دولت.

مقایسه وضعیت شهرها با هم در رابطه با گستردگی و باروری سرزمینشان، در رابطه با مزیت‌های تجاری، مشکلات تهاجم به آنها.

جنگ میان شهرها و آثار آن. نابودی مغلوبان، جابجایی ساکنان، برده‌داری، قوانین و دستورهای اجباری. این‌گونه جنگها به ندرت آثار پایداری داشته و بندرت حکومتهای گسترده به وجود آوردند.

جنگ مردمان قانونمدار (متمدن) با بربرها. فتوحات سریع در فضاهای بزرگ و کم دوام به دلیل نبود پیوند میان بخشهای مختلف.

از آنجا که حفظ وضعیت در برخی موارد نوعی پیروزی همیشگی است و در نتیجه نوعی رفتار دائمی برای فتح برمی‌انگیزد، نیروی دائمی و همیشه قابل اعمال است گرچه در درجه پائینتری باشد.

فتوحات با گستره کمتر و محدود در مرزهای طبیعی. حکومتهای کوچک، ایجاد پایتختها.



نخستین پیوندهای دولت؛ استبداد. بهره‌کشی از یک ملت همیشه مستلزم یک حکومت مستبد است که پرنس (حاکم-مترجم) آن در دستانش ابزار ظلم داشته باشد. این طرف یا یک ملت خاص مسلط به واسطه موقعیت یا زور ویژگی‌ش، یا یک ملت فاتح که در کشور فتح شده مستقر می‌شود و یا یک نیروی منظم. این امکان اخیر بسیار نادر است و در عهد عتیق دیده می‌شد زیرا در هنر نظامی مانند دیگر هنرها، نخستین عناصر به همه انسانها تعلق دارند، تنها پیشرفت است که تفاوت ایجاد می‌کند.

دولتهای استانها در حکومتهای کوچک و در امپراتوریهای بزرگ که از راه فتوحات شکل گرفته‌اند. رابطه [۲۶۲] شکل دولت با وسعت حکومتها. استبداد الزامی امپراتوریهای بزرگ در دورانهای اولیه. آثار استبداد بر اخلاق مدنی. بر تکرار زنان. دلایل استبداد در برخی کشورها مانند آسیا و غیره. طبیعت کشور و امکان فتوحات از راه دشتهای گسترده و فاصله زیاد میان ملتها. رشد خیلی شتابان جامعه در حدود خود، هنر به کمال رسیدن پیش از آنکه روح بشر آنقدر رشد کند که هنر حکومت را به کمال برساند، پیش از آنکه حکومتهای کوچک دارای حکومت ثابت باشند، پیش از آنکه ملتها بتوانند اتحادیه تشکیل دهند و با هم متحد شده تا از آزادی خود دفاع کنند، پیش از آنکه فاتحان بتوانند مردمانی بیابند که اخلاق و قوانین خود را بر آنها تحمیل کنند.

حاشیه‌روی در مورد اقلیم، آثار این امر نادیده گرفته شده است. خطر ناشی از استفاده از این اصل. استفاده نادرست از اخلاق ملتها و زبانهایشان، از فراوانی مهاجرت، تکرار زنان، تا خدمت با آسیایی‌ها. دلایل اصلی این آثار؟ ضرورت بررسی دلایل اخلاقی پیش از آنکه دلایل نفوذ فیزیکی اقلیم بررسی شود. بررسی نفوذ اخلاقی اقلیمها از طریق مواردی که به ما ارائه می‌دهند. تفاوت نفوذ اقلیمها با آثار وضعی، که در همه مسایل جغرافیای سیاسی اولین داده است. سودمندی حاشیه روی در مورد اقلیم.

[اندیشه‌های کلی در مورد روشی که نوابغ ملتها باید وارد عرصه جغرافیای سیاسی شوند]  
اندیشه‌های کلی روی روشی که ملتهای منزوی به اطراف خود نگاه انداختند و توانستند اندک اندک با یکدیگر آشنا شوند. پیشرفت در گستره ساختهای جغرافیایی مربوط به حکومتهای

متوالی از نوع بشر. روابط اصلی که مردمان را با هم متحد می‌سازد. همسایگی، بازرگانی، تمایل به فتح، ترس متقابل، منافع مشترک. اینکه هر ملتی که از دیگران پیشی گرفته، تبدیل به نوعی مرکز شده که پیرامون آن نوعی جهان سیاسی شکل گرفته متشکل از ملت‌هایی که با هم آشنایی دارند و می‌توانند منافع خود را با یکدیگر هماهنگ سازند؛ از این نوع جهان‌ها به میزان زیادی در روی کره زمین شکل گرفت که هر کدام از دیگری مستقل بوده و گاه یکدیگر را نمی‌شناسند، با رشدشان [۲۶۳] بدون وقفه پیرامون یکدیگر، آنها با یکدیگر ملاقات کرده، مختلط شده، تا جایی که شناخت همه جهان حاصل شد، از اینجا سیاست خواهد توانست همه طرفها را با یکدیگر مخلوط کرده و یک جهان سیاسی به وجود آورد که مرزهای آن با جهان فیزیک منطبق خواهند شد.

گستره این جهانهای سیاسی مربوطند به: ابتدا به وسعت حکومتها و به تقسیم کم و بیش زیاد ملتها، زیرا همیشه می‌توان همسایگان را شناخت؛ یک اسپانیایی یک آلمانی را می‌شناسد زیرا فقط یک ملت آنها را از هم جدا می‌سازد. اگر این ملت به صدها حکومت کوچک تقسیم شود، تنها همسایه نزدیکتر به اسپانیا را خواهد شناخت؛ دوم به سهولت ارتباطات و به پیشرفتهای نوع بشر در این بخش؛ پیشرفتهای بازرگانی، دریانوردی. اختراع دریانوردی در بخشهای گوناگون کره.

**سومین نقشه جهان** - [جنبه ملت‌های کهن] مصر، آسیای علیا، چین، فنیقیه و آغاز یونان، کشورهای بربر. ایده کلی جهانهای سیاسی اصلی در نخستین دوران مشترک. منبع جدید آمیختگی مردمان: بازرگانی و دریانوردی. نگاه کلی به پیشرفتهای بازرگانی فنیقیه و مستعمرات آنها. مستعمرات دریایی، از چه بابت با دیگران، با بازرگانی، با حکومت‌های مختلف تفاوت دارند. (نگاه کلی بر- مترجم) تراز ملتها به نسبت ثروت و انقلاب فنیقی [در یونان].

[ایده کلی در مورد تجارت در زمانها قدیم و تفاوت آن با تجارت زمان ما] نسبت قدرت مستعمرات با متروپل.

[جابجایی پول در کره زمین چگونه بود.] {جاده پول (نقره) روی کره}

استقلال متقابل مستعمرات، که هنگامی که قدرت لازم برای عبور از متروپل را بیابند، استقلال مطلق خواهند یافت و حکومت‌های برابر تشکیل خواهند داد که در آنها قانون به درجه‌ای از شناخت می‌رسد مانند شرق، بدون اینکه به استبداد آلوده شود که موجب شکل‌گیری حکومتها در این منطقه از جهان بوده است و اولین حکومتها بوده‌اند.

رابطه مستعمرات فنیقی با ساکنان اصلی کشور. ایده‌هایی در مورد ساکنان قدیمی این سرزمینها، پلاسرها، تراسها، اپیروتها، کارینها<sup>۱</sup>. نبردهای یونان. تشابهات با جنگهای هراکلید.

تابلوی یونان که به حکومت‌های کوچک تقسیم شد [۲۶۴] به دلیل همزمانی تأسیس حکومتها و طبیعت کشور که پوشیده از کوهها و دریاهاست.

یونان به‌عنوان یک ملت و یک جمهوری فدراتیو- به‌عنوان ملتی که به‌واسطه مستعمراتش گسترده شد از جمله: سیسیل، یونان بزرگ، ایونی، پیرنه، ماریسی<sup>۲</sup>؛ و نیز به‌عنوان ملتی دارای چندین سلطان‌نشین کوچک مانند: مقدونیه، اپیر<sup>۳</sup>؛ برخی از آنها مانند کاری، لیدی<sup>۴</sup> آداب یونانی را گرفته‌اند و امروز پادشاه پروس آداب فرانسوی را اخذ کرده است (یونان) به‌عنوان جمهوری فدراتیو، گستره کوچکتري دارد. لیگ نمایندگان آمفیکتیون<sup>۵</sup>؛ رابطه مستعمرات و متروپل. نخستین حکومت‌های یونان، آنچه از سیاست آنها می‌دانیم {حقوق عمومی یونانها}.

### نبرد تروا

گذر از دولت پادشاهی به جمهوری. جمهوریخواهان مسلط متوالی. وضعیت خاص این جمهوریها، و نفوذ آنها بر نیروهای یکدیگر.

در مورد لاسه دمون<sup>۶</sup> به‌طور اخص. روابط قوانینش با وضعیت و وسعت حکومتها. خطرهای نهادهای مجزا و ناکارآمدی آنها در حکومت‌های بزرگ.

1. Pélasges, Thraces, Épirotes, Cariens

2. Sicile, Grande Grèce, Ionie, Pyrène, Marseille

3. Macédoine, Epire

4. la Carie, la Lydie

5. Ligue des Amphictyons. مترجم. مجلس یونان باستان بود و آمفیکتیون نیز به عضو این مجلس گفته می‌شد.

6. Lacédémone. همان اسپارت است. مترجم.

نقشه سیاسی یونان، نقشه حکومت‌های اصلی، قدرت نسبی آنها در دریانوردی. شاخه‌های اصلی بازرگانی آنها، اتحاد‌هایشان له و علیه یکدیگر. یونان در مقایسه با همسایگانش. پادشاهان مقدونیه، آسیای صغیر، لیبی، اثر خاص فتح لیبی توسط کوروش، که هرکدام را به مانند دو جهان سیاسی معرفی نمود. بررسی انقلاب‌های پیش از این واقعه در آسیای علیا. - رشد نخستین امپراتوری اثری، فتح و مغلوب شدن مستمر، شکستها و پیروزیهایش. بابلیها، مادها، پارسها، مصریها، اثرات جغرافیای سیاسی بر مردمان. - ملاحظاتی پیرامون انقلابها، دره ببر و پلنگ (دجله و فرات- مترجم)، و کوههای پیرامون آنها. تهاجمات بربرها علیه مردمان متمدن. شیتها<sup>۱</sup> و دو راه آنها: ترانس اوکسیان<sup>۲</sup> و گلوگاههای قفقاز.

در مورد امپراتوری کوروش، در مورد روابطش با یونان، تغییراتی که این روابط در درون یونانها ایجاد کرد یعنی یونانی آسیایی و یونانی اروپایی. تأثیر نیروهای دریایی وی.

## قدرت آتن

[۲۶۵] جنگ پلوپونز<sup>۳</sup>، لشگر کشی آژیلاس<sup>۴</sup>. پیشرفتهای مقدونیه. سیاست فیلیپ؛ طرحهای وی که توسط اسکندر اجرا شد.

## چهارمین نقشه جهان - دوران اسکندر

روم، کارتاژ، چین، هند. ملاحظاتی در مورد لشگرکشی اسکندر، اثرات آن: ۱- بر یونان؛ ۲- آثار فتوحات اسکندر؛ ۳- طرحهایی که به خود وی نسبت می‌دهند.

## بحث در مورد امکان تداوم امپراتوری وی و امکان تأسیس دولت

اختلاف میان ژنرالهای اسکندر، اثرات این اختلافها. چگونه جغرافیای سیاسی در تأسیس و

1. Scythes اسکوتای. قومی ایرانی که در استپهای شمال دریای سیاه (۷۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد) زندگی می‌کرد. آنها از قفقاز عبور کرده و در نبرد علیه مادها شرکت کرده و حاکمیت خود را بر آنها تحمیل کردند (۶۵۳ تا ۶۲۵ پیش از میلاد) و تا فلسطین پیش رفتند. مترجم.

2. Transoxiane

3. Péloponèse

4. Agésilas

تثبیت حکومت‌های جدید ایفای نقش کرد؟ انواع حکومت در زمان جانشینان اسکندر. حکومت‌های یونانی که توسط فرماندهان یونانی در کشورهای فتح شده ایجاد شدند. حکومت‌های یونانی که به وضعیت سابق خود بازگشتند. ساتراپی‌های پارسی که مستقل شدند. منافع مشترک این حکومت‌های گوناگون.

در مورد حکومت‌های یونانی؛ چقدر وضعیتشان در مقایسه با قدرتهای بزرگ تغییر یافت، قدرتهایی که منافعشان را با منافع جمهوریهای کوچک درهم می‌آمیزند. سیاست پادشاهان مقدونیه، اپیر، مصر و سوریه میان خود و با یونانیان. پادشاهان سوریه آسیای علیا را فراموش کردند. وضعیت آنها و انتخابشان برای تسلط بر پارس کهن و ورای فرات. آثار این انتخاب. آسیای علیا در دست پارتها. نخستین تماسهای چین با اروپائیان از راه فتوحات شینچی - هوانگتی<sup>۱</sup>، که اصطلاحاً جنگیزخان نامیده می‌شود. تابلوی تأسیس امپراتوری چین. بازرگانی چین با ژاپن. در مورد پادشاهیهای آسیای صغیر. وضعیت بازرگانی اسکندر، کارتاژ، ماریسی، سیسیل، یونان. در مورد بازرگانی هند و ماهیت آن.

### تردد روی کره زمین در آن زمان. معادن اسپانیا؛ جزایر بریتانیا

ملاحظات در مورد اروپا که بدون اینکه مانند یونان متمدن<sup>۲</sup> باشد، اما برابر هم نبود. نزدیک شدن اتحادیه‌های لاتین، اتروسک<sup>۳</sup> و غیره با حکومتی که کارتاژها اسپانیا را یافتند و سزار گلها را.

ملاحظات خاص در مورد پیشرفتهای مشابه [۲۶۶] روم و کارتاژ. ایده فتوحات رومیها. آمیختگی خاص ویژگیها و دولتهای آنها، و آمادگی مردمان پیرامون آنها. تماس آنها با کارتاژها. فرم جنگهایشان. منافی که قدرتهای یونانی خواستار آن در آنجا بودند. نابودی کارتاژ. تغییراتی که ورود رومیها در جهان سیاسی یونان باید در منافع آنها ایجاد می‌کرد.

---

1. Tsinchi-Hoangti  
2. policée  
3. étrusques

پنجمین نقشه سیاسی جهان- جزئیاتی در مورد داخل یونان. اتحادهایی که جانشین جمهوریهای کهن شدند، اتولین‌ها، آشین‌ها<sup>۱</sup> و غیره.

پادشاهان آسیای صغیر؛ قدرتهای بزرگ. اندیشه‌هایی در مورد انعطاف اندک دربارها برای تغییر سیستم سیاسی خود هنگامی که وضعیتهای دگرگون می‌شوند. اینکه منافع حکومتها شناخته نمی‌شود مگر زمانی که تغییر کنند. سیاست رومیها با شاهان.

### نبردهای میتريدات<sup>۲</sup>. سلطه جهانی رومیها

ملاحظات در مورد فتوحات یک جمهوری؛ تغییراتی که این اصول عمومی بر اوضاع خاص رومیها به وجود آوردند.

در مورد دولت روم در برابر استانها. استانهای رومی و حکومتهایی که با قوانین خاص آنها اداره می‌شد. قبیله‌ها، دولت رومیها در تعادل استانها و روم، در تضاد قدرت رومیها با شاهان خود، شکل دولتشان. نابرابری افراد خاص، قدرت لژیونها و ژنرالها.

درمانهایی که می‌شد برای این دردها تجویز کرد اگر می‌شد آنها را پیش‌بینی کرد و اگر آنهایی که این دردها را درمان می‌کردند و جمعیت کافی داشتند ترجیح نمی‌دادند بر جمهوری تسلط یابند؛ یا آنهایی که شهروند بودند به فرم سابق زیاد وابسته نبودند زیرا خودشان قدیمی بودند.

ایده ناآرامی جمهوری. از سزار، تا آنتوان، اکتاو. وضعیت استانها در طی این ناآرامیها. رشد مستمر سلطه روم. دوران آگوست.

ششمین نقشه سیاسی- وضعیت جهان در زمان امپراتوری روم. درون امپراتوری. امپراتوری در مقایسه با همسایگانش. در مورد باقی دنیا در آن دوره.

[۲۶۷] ملاحظات در مورد شکل حکومت. در مورد رابطه روم با استانهایش. در مورد ماهیت استبداد امپراتوران. در مورد ارزشهای دولت جمهوری؛ توزیع اقتدار در استانها. در مورد

1. des Étoliens, des Achéens

2. Mithridate

حکومت روم، نفوذ لژیونها، وسعت امپراتوری. نقد شورایی که توسط آگوست بر جانشینانش تحمیل شد.

### بربرها و پارتها، مردم کوههای ارمنستان

در مورد وسعت حکومتها به طور کلی، به نسبت مدیریت داخلی، به نسبت شکل دولت، اقتدار کم و بیش محدود، روش توزیع و عملکرد آن در استانها، توزیع آن در دیارتمانها؛ آسانی حمل و نقل نیروهایی که ملتها در انقیاد دارند و به همسایگان ظلم می کند؛ آسانی جابجایی ارتشهای مختلف در کشورهای مختلف؛ آسانی مکاتبات و ارتباطات، راههای عمومی، پیامرسانی همگانی و غیره.

گناهان اصلی دولت امپراتوری؛ آیا (این گناهان) قابل اصلاح بود؟ چگونه؟ ملاحظات کلی بر مشکلات و روشهای جانشینی یک دولت بسیار گسترده.

در مورد دولت شهرداری؛ مجالس سنای شهرهای کوچک. به جای اینکه بگذاریم آنها فراموش شوند، چه راهی می توان اتخاذ کرد؟ آیا این ایده ها را می توان در قرون مربوطه بازشناخت؟ و آیا موقعیت امکان اعمال آنها را می دهد؟ چرا امپراتوری نتوانست به اندازه کافی وسعت یابد؟

تابلوی امپراتوری تحت حاکمیت امپراتورها تغییرات نامحسوس. درهم آمیختگی درونی بخشهای حکومت. زیاد شدن حقوق شهر. چگونه امپراتور دیگر امپراتور روم نبود، تا بتواند امپراتور امپراتوری باشد و چگونه این تحول اندیشه بدون اینکه احساس شود و مزیتی داشته باشد روی داد.

وضعیت بازرگانی در زمان امپراتورها. تابلوی تردد کلی روی کره زمین در آن زمان. بحث پیرامون داخل امپراتوری، تقسیم آن به استانها، متروپل و اسقف نشینها، روابط شهرها و روستاها، کاشت زمینها و بازرگانی.

برقراری اصول جغرافیای سیاسی در رابطه با این موضوعات و اجرای آن در امپراتوری

[۲۶۸] این سیاست امپراتوری در زمان دیوکت<sup>۱</sup>. انقلاب اندیشه‌ها از طریق تقسیم امپراتوری توسط سی مستبد. ملاحظاتی در مورد تقسیم روم توسط دیوکت و جانشان وی. **منافع متقابل بخشها با امپراتوری؛ چگونه این منافع عمومی پیوند می‌خورد** اندیشه‌هایی در مورد روشی که حکومتها با اتحاد طولانی، به یکدیگر می‌پیوستند تا حدی که موانع طبیعی به‌نظر از بین رفتند؛ ظاهراً ارتش روم برای عبور از امپراتوری همان مشکلات ارتشهای اروپایی کنونی را داشتند یعنی عبور از یک پادشاهی به دیگری؛ چرا؟ امپراتور ایتالیا نمی‌توانست از اهالی وود همان مزیتهایی را به‌دست آورد که از اهالی ساوا<sup>۲</sup> به‌دست می‌آورد. این مردم بی‌طرف بودند زیرا نبرد میان امپراتور گلها و امپراتور ایتالیا، نبرد میان ارتشها بود و نه نبرد میان ملتها.

#### ملاحظاتی در مورد اینکه امپراتوری روم به خود وانهاده شد

دوران کنستانتین. انتقال امپراتوری به کنستانتینوپل، تجارت داخلی و تجارت خارجی آن، وضعیت استانهای مهم تحت سلطه امپراتوری، دشمنانی که از آنها هراس داشت، پروژه‌های توسعه آن، تأسیسات امپراتوری، تأثیرات حکومت از خطرات ناشی از تغییر. اینکه در امپراتوریهای بزرگ وضعیت پایتختها را فقط جغرافیای سیاسی تعیین می‌کند. اشتباه کنستانتین. اگر سزار هم همان پروژه را داشت، کنستانتین همان انگیزه‌ها را نداشت و کنستانتین قسمت بد پروژه را گرفت. امپراتوری همان نقصانهای روم را به کنستانتینوپل منتقل کرد- به پروژه انتقال پایتخت امپراتوری باید پروژه فتح شمال اروپا و نابودی همه دشمنان را اضافه کرد. از سوی دیگر، اگر پروژه سزار برای فتح پارت پیش از ژرمنها، اشتباه می‌بود اگر آنتوان اینکار را می‌کرد- ژولین هم در نبرد با پارسها یک اشتباه بسیار بزرگتر مرتکب شد و امپراتوری دیگر نتوانست برخیزد- اینکه انتقال امپراتوری به کنستانتینوپل [۲۶۹] موجب تجزیه امپراتوری به شرقی و غربی شد.

1. époque de Dioclétien

2. Vaud



### دین: عنصر جدید دوران کنستانتین در مشکلات جغرافیای سیاسی

ملاحظات در مورد نخستین ادیان بشر. بت پرستی، خدایان دست ساخته؛ انطباق همه خدایان و ادیان با یکدیگر. ایده روشی که مردمان با کلام پیام خدایانشان را به یکدیگر می‌رسانند. چگونه لاتینها به نپتون ماجراهای پوزیدون<sup>۱</sup> را نسبت می‌دهند. چنین دینی گاه می‌تواند ابزاری در دست سیاست برای ترغیب مردمان باشد؛ اما تنوع آن خیلی یکدست است تا در جغرافیای سیاسی مورد توجه قرار گیرد، زیرا برخی از جنگها توسط قدیمی‌ها برای انتقام از تقدس یک معبد مورد تعرض قرار گرفته راه افتاد. بی‌احترامی به معابد نوعی اهانت محسوب می‌شد. مردمان برای خدایانشان می‌جنگیدند مانند شوالیه‌های ما برای زنانشان. جنگ مقدس علیه فوسنها، به موجب حکمی از آمفی شهروندان اما به‌طور کلی دین در همه جا یکسان بوده است؛ تنها خدایان آنها با هم فرق داشتند؛ و اگر شریعت‌شان گسترش می‌یافت، از راه ادغام با یکدیگر بود و نه با جدایی از هم.

نوع دوم ادیان: ادیان جدا از همه دیگر ادیان. آنها از قانونگذاران (فقها) استفاده می‌کنند و معمولاً بر وسعت مرزهای یک ملت منطبق می‌شوند و تبدیل به دیوارهای جداکننده با همسایگان می‌شوند، مانند دین جهود<sup>۲</sup> و تأثیر زیادی بر جغرافیای سیاسی ندارند. یا برخی از آنها موضوع‌شان حقیقت است مانند برخی فرقه‌های فلسفه و برخی از آنها تبدیل به اهانت به دیگر انواع بشر می‌شوند: مانند مذاهب مسیحیت، دین محمدی<sup>۳</sup> و شاید برخی دیگر ادیان.

تحقیق در مورد اینکه فرقه‌های لاما، ماژ، تالاپوان، برام<sup>۴</sup> چه هستند. این ادیان باز هم تقسیم می‌شوند تا جایی که فقط یک فرقه ساده از آنها باقی می‌ماند با تعداد اندکی هوادار از درون یک ملت، بدون اینکه دیگر افراد را به درون خود راه دهند مانند فرقه‌های فلاسفه. یا برخی به تغییر دین روی آوردند، هدف اینها [۲۷۰] همه مردم و ملتها هستند. اینها هستند که موضوع

1. Poseidon

۲. تورگو در همه جای این متن به جای واژه یهود از واژه جهود استفاده کرده است. مترجم.

۳. تورگو در این متن به جای اسلام از عنوان دین محمدی استفاده کرده است. مترجم.

4. la secte des lamas, celle des mages, celle des talapoins et celle des brames

جغرافیای سیاسی هستند.

دین مسیحیت اولین دینی است که در این گروه جای می‌گیرد. و نیز فرقه‌های آن. دین محمدی نیز پس از آن قرار دارد؛ دیگر ادیانی که در بالا برشمردم از عمومیت اندکی برخوردارند و اثرات اندکی بر ما داشتند تا ما بخواهیم توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشیم. به‌طور کلی تا آنجا که به یاد دارم آنها هیچ انقلابی به راه نیانداخته‌اند و بیشتر مشغول دفاع از خود در برابر دین محمدی بودند تا اینکه در کشورهای جدید مستقر شده و گسترش یابند. غیرتی که موجب شد تا آنها گاه در دورانه‌های ناشناخته خیزش یابند و مستقر شوند در طول زمان تبدیل به بی‌تفاوتی شد و راهبان آنها بیشتر در صدد بهره‌مندی هستند تا به‌دست آوردن. چگونه دین توانست بر سیاست داخلی و خارجی تأثیر بگذارد. چرا مسیحیت در امپراتوری بیشتر از ادیان خارجی و فرقه‌های فلسفی و حتی یهودیت سرکوب شد. تفاوت مسیحیت با دیگر فرقه‌های رایج.

(بررسی) اندیشه مسیحیت. ارتباط آن با دین جهود. چگونه فضای آن در سراسر زمین گسترش یافت. گسترش مسیحیت در امپراتوری روم بویژه ابتدا توسط جهودان، سپس توسط نیکان که توسط مسیحیت با جهودان یکسان برشمرده شدند. نخستین رابطه ادیان با سیاست؛ سرکوبی<sup>۱</sup> که ادیان هنگام استقرار دریافت کردند. اثرات سرکوب هنگامی که ویرانگر باشد و هنگامی که ویرانگر نباشد؛ نقش سرکوب برای ادیان بمانند تنه برای درخت، آیا موجب تقویت دین می‌شود یا تضعیف آن. بررسی پیشرفت ادیان و اثرات سرکوب بر ادیان به تناسب پیشرفت‌ها. تفاوت میان فرقه‌ای که رشد می‌کند و فرقه‌ای که سقوط می‌کند. مشکلات جلوگیری از رشد یا سقوط ادیان.

(بررسی) اینکه دین مسیحیت نیروی اصلی خود را بیشتر مدیون حقیقت آموزه‌هایش است تا پوچی بی‌دینی. آرمان (دین) عشق است و کارکرد عشق مبتنی بر روشی است که موضوع عشق بر انسانها تأثیر زیاد می‌گذارد. اگر خانمی را بهتر تحریک کنید نسبت به دیگر خانمها،

[۲۷۱] وی نسبت به رقیب عشقی خود مزیت بیشتری خواهد داشت. از نظر عامه، همیشه دلیل<sup>۱</sup> است که عشق را پی می‌نهد و نیز ترس و امید آن را (عشق را) افزایش می‌دهند و حتی می‌توان غرور را هم افزود. ادیان حتی ورای تعصب، از باب دلایل با یکدیگر مبارزه می‌کنند. گرچه این دلایل ریشه در واقعیت ندارند بلکه در عقیده عامه و تعصبات ریشه دارند. حتی زمانی که براساس نیروی واقعیت به تحرک درآید، همیشه یک واقعیت مطلق نیست، بلکه واقعیتی نسبی است که دارای خطاهای زیادی است. (بررسی) پیشرفتهای مسیحیت و پذیرش آن توسط کنستانتین.

دومین رابطه دین با سیاست خارجی. کمکهای متقابلی که دولت و دین به یکدیگر می‌دهند. درهم آمیختگی این دو قدرت یا سوء استفاده متقابل هر یک از دیگری. (بررسی) عدم تسامح کاهش یافته در سیستم و ورود یافته در قانونگذاری و تشکیل حکومتها. عدم تسامح میان بخشهای گوناگون یک ملت. عدم تسامح مردم با مردم که جنگ ادیان از همین جا آغاز می‌شود.

سومین رابطه دین با سیاست. چگونه عدم تسامح وارد ادیان و جزئی از آنها شد. تفاوت میان مسیحیت و دین محمدی در این مورد. تفاوتهای عدم تسامح دین محمدی با مسیحیت. چرا آثار عدم تسامح بر حسب اینکه ادیان چقدر از ریشه‌ها و اولین هوادارانشان دور باشند با هم تفاوت دارند و یا تفاوت آنها بر حسب میزان روشنی روحیه هواداران. (بررسی) انواع فرقه‌ها در یک دین. بررسی دولت دینی و پیوندی که با حکومتهای مستقل می‌تواند داشته باشد.

سه‌گونه جنگ دینی: جنگهایی که توسط پیروان محمدی و نیز توسط شهسواران توتونیک<sup>۲</sup> به راه افتاد تا دین خود را گسترش دهند. جنگهای دینی دفاعی. - نبرد برای حراست از مکانهای مقدس و برای استقرار دین در مکانهایی که پیش از آن در آنجا مستقر بوده است. - بالاخره جنگهایی برای دفاع از آزادی عقیده، علیه ظلم، جنگ پروتستانها- نفوذ این سه مورد

1. raison

2. teutoniques. توتونها قومی در شمال آلمان بودند و در زبان لاتین به‌طور عامیانه و گاه استهزا، آلمانها را توتون می‌نامیدند و گاه «بوش» می‌گفتند. مترجم.

در سیاست. پیوندی که آنها با تکتیر و شباهت میان ادیان مورد قبول مردمان یک پرنس و پرنسهای همسایه از همان دین برقرار می‌کنند.

### روشهای درمان این درد

تسامح و عدم تسامح. اشتباه و ناعادلانه بودن سیستم نخست. ضرورت تسامح؛ بررسی روشهای گوناگون ایجاد تسامح؛ بررسی نظریات اشتباه در این مورد؛ [۲۷۲] هرگز نتایج آن به‌طور کامل بررسی نشده است. خطرات این نتایج. اینکه تسامح نباید مرز داشته باشد حتی در میان عامه، و در این صورت است که دین وارد عرصه جغرافیای سیاسی نخواهد شد، در صورتی که حکومت مبتنی بر اصل تسامح ثروتمندتر و پرجمعیت‌تر از دیگر دولتها خواهد بود. چرا مسیحیت در امپراتوری روم گسترش یافت؛ میزان رشد (مسیحیت) در میان بربرها، مشاجرات آریانیستها؛ آثار آن بر روابط بربرها.

وضعیت امپراتوری از زمان کنستانتین تا زمان سقوط. تهاجم بربرها؛ دلایل این تهاجم؛ نخستین حرکتها در زمان گالین. خطای رومیها در داخل کردن گالینها در نیروهایشان.

ضعف امپراتورهای که صلح را خریدند. نظر خطای مونتسکیو در مورد جمعیت زیاد شمال، و در مورد عقب‌نشینی مردمان بر اثر فتوحات رومیها.

دوران ژولین<sup>۲</sup>. خطای وی در تهاجم به پارسیان. امپراتوری از دو سوی باز شد. امپراتورهای بعد از وی. تجزیه امپراتوری در زمان آرکادیوس و هونوریوس<sup>۳</sup>. جریان هجوم بربرها به سمت غرب. استقرار بربرها.

آنها بایکدیگر درگیر شدند، امپراتوری را میان خود تقسیم کردند. سیل موقت هانها؛ اندیشه در مورد وضعیت بربرها. جغرافیای سیاسی در این زمان خود را باز می‌یابد و مرزهای قدیمی ملتها استقرار می‌یابد. (بررسی) ملت فرانکها. بررسی اتحادهایی که توسط ژرمنها برای

فرقه‌ای به رهبری آریوس که اصل تثلیث مسیحیت را منکر بوده و اینکه روح پدر و جبرائیل در arianisme 1 حضرت مسیح وجود داشته باشد را انکار می‌کردند لذا تقدس حضرت مسیح (ع) را قبول نداشتند. مترجم.

2. Julien

3. Arcadius et Honorius

4. Huns

دفاع از آزادیشان ایجاد شد. چرا استقرار فرانکها در سرزمین گلها محکم‌تر بود. چگونه آنها سلطه گسترده خود را در آلمان با در اختیار گرفتن گلها برقرار کردند. از آن پس آنها برابری جرأت را با دیگر ژرمنها از راه برتری قدرت حفظ کردند. حضور گلها به هیچ وجه موجب خشم ملت نشد. قدرت فرانسه تبدیل به خاکریز اروپا شد، موجب استقرار دیگر ملتها شد و حتی به‌طور غیر مستقیم در پیشرفت سلاحهای ژوستینین<sup>۱</sup> در ایتالیا و در آفریقا علیه فاتحان نقش ایفا نمود.

**هفتمین نقشه سیاسی جهان** - اروپای تقسیم شده میان بربرها پیش از حکومت ژوستینین. وضعیت امپراتوری یونان؛ ایالتهای ژرمن تحت سلطه ملت برتر گل، تبدیل به وزنه‌ای [۲۷۳] در تعادل ملتها شد. سیاست کلویی و تئودوریک<sup>۲</sup>. اثرات مشاجرات آریانیسم در فتوحات فرانکها. ایده دولت درونی کشورهای مختلف. تجزیه و پخش ملتهای فاتح در درون کشورهای فتح شده، و شکل دولتی که از آن به‌وجود آمد.

بررسی آریستوکراسی. ملاحظاتی کلی در مورد اختلاط ملتها؛ بربرها با بربرها، بربرها با متمدن‌ها. آثار برخورد ملتهای گوناگون: رومیها، گلها، فرانکها. اختلاط آنها با هم.

نقطه نظرات جدید در مورد دین مسیحیت که دیگر در یک امپراتوری محدود نبود، تبدیل شد به خط پیوند چندین حکومت، و روم را پس داد شهری که پیوند میان ملتها بود. اقتدار بیشتر اسقفها، و چرا قدرت بیشتر در کلیسا و در حکومت (نداشته باشند؟).

چگونه اسقفها به دولت راه یافتند و حاکم شدند، زیرا دولت دیوان‌سالار شد، اسقفها توانستند وارد آن شوند و انتظار داشتند جایگاه بالاتری میان ملت داشته باشند. بررسی اینکه چگونه یک دولت از راه فتوحات در اروپا تبدیل به دیوان‌سالار شد و نه مستبد.

دولت ژرمنها. تفاوت فتوحات آنها با فتوحات تارتارها در آسیای علیا. ریشه این تفاوت عبارتند از: ۱- اخلاق ژرمنها و آزادی که داشتند؛ تفاوت میان یک ملت جنگی و لشگری از سربازها؛ ۲- وضعیت کشورهای فتح شده که پیش از آن قوانین برتر از قوانین بربرها داشتند؛

---

1. Justinien

2. Clovis et de Théodoric

۳- تقسیم زمینها توسط فاتحان، که این امر موجب افزایش قدرت برخی افراد به نسبت رؤسایشان شد و تنها قدرت باقی مانده برای رؤسا، همان برده‌ها و کارگران‌شان بود بدون اینکه بتوانند به آنها ظلم کنند؛ ۴- نفوذی که دین در میان این ملت‌ها پیدا کرد. وضعیت تجارت در این دوران. فروپاشی شهرها و تجارت داخلی، ضعف کشتیرانی. جاده تردد همگانی روی کره. اندیشه در مورد ملت جهود و در مورد نقشی که در تجارت اسکندریه، کنستانتینوپل و باقی اروپا داشت.

### فقر ایتالیا

[۲۷۴] اندیشه در مورد دو قدرت اصلی جهان: فرانکها و امپراتوری یونان. جنگهای ایتالیا و آفریقا.

مقایسه این دو قدرت؛ مزایا و ضعفهای هرکدام براساس جغرافیای سیاسی و براساس خطاهای دولتهای داخلی‌شان.

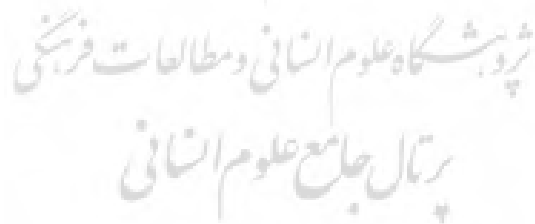
### (بررسی) پارس، اعراب، مردمان شمال امپراتوری یونان

تولد محمد. بررسی وضعیت اعراب و آزادی که داشتند؛ در مورد امنیتی که رومیها به دلیل عدم اتحاد و فقر اعراب احساس می‌کردند. مزایای وضعیت اعراب برای فتوحات... (۲) مطلب جدیدی نیست که گفته شود هلند و ایتالیا موجب نابودی اسپانیا شدند. بررسی اینکه آیا پرنسهای اسپانیا بارها نیاپدیشیدند که هلند را از پادشاهی خود جدا سازند؛ اما آنکه به فیلیپ دوم پیشنهاد داد تا هلند به چند پرنس سپرده شود به‌عنوان دیوانه تلقی شد. و نمی‌دانم اکنون ملکه مجارستان فردی را که همین پیشنهاد را به او بدهد به چه چشمی نگاه خواهد کرد. اما مطمئناً انگلیسی‌ها به‌همین خاطر جنگ سال ۱۷۰۰ را به راه انداختند هرگز نخواستند که به فرانسه و اسپانیا خدمتی بزرگ ارائه دهند یعنی: ۱- اتحاد میان آنها؛ ۲- دور کردن دشمن اصلی از فرانسه؛ ۳- اجبار اسپانیا به پرداختن به منافع اصلی خود یعنی دریانوردی.

**توضیح ۱:** این نسخه الکترونیک برگردانی است بدون هیچگونه دخل و تصرف از متنی که در کتاب «آثار تورگو و مدارک مربوطه»<sup>۱</sup> وجود دارد. همراه با بیوگرافی و یادداشتها توسط گوستاو شل، پاریس<sup>۲</sup>. یادداشت‌های متن از شل هستند.

**توضیح ۲:** تاریخ نوشته شدن این مقاله قطعی نیست. به نظر دو پون، تورگو این کار را آغاز کرد و ادامه داد در حالی که در سوربن بود و یا اندکی پس از آنکه از آنجا خارج شد. آنکه جغرافیای سیاسی را نگاه می‌کند از یک هم‌رشته‌ای خود خواست تا اثر را با این عنوان بنویسد: هم‌رشته‌ای از وسعت کاری که تورگو از او خواسته بود به وحشت افتاد. تورگو بخش دوم کار را به بخش اول افزود، بخش اول شد: «تاریخ عمومی»<sup>۳</sup> و بخش نهایی شد «علم دولت» (Oeuvres de Turgot, I, 255).

**توضیح ۳:** بخشی از متن دستنویس موجود نیست.



1. les Oeuvres de Turgot; et Documents le concernant
2. Gustave Schelle, Paris, Librairie Félix Alcan, 1913, vol. I, pp. 327-331.
3. l'Histoire Universelle